

بررسی تحلیلی رساله‌های جهادیه در جنگ‌های ایران و روس

مریم اورعی قدیری^۱

چکیده

جنگ‌های ایران و روس در سال‌های ۱۲۲۸-۱۲۱۸ق/۱۸۱۳-۱۸۰۳م. و ۱۲۴۳-۱۲۴۱ق/۱۸۲۷-۱۸۲۵م. بر سر تصرف منطقه قفقاز، یکی از وقایع اثرگذار دو قرن اخیر ایران در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. در این جنگ‌ها، فتحعلی شاه قاجار (۱۱۸۵-۱۲۵۰ق/۱۸۳۴-۱۷۷۱م.) برای دفاع از کشور و مقابله با روس‌ها به مراجع و علما متوسل شد. مجتهدان با توجه به نیاز کشور به نیروهای مردمی و پشتیبانی بیشتر از جبهه‌های جنگ، رسایل و فتاوا برای مقابله با روس‌ها نوشتند. این مقاله بر آن است با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، رسایل جهادی و محتوای آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد. سؤال اصلی مقاله این است که در دوره قاجار چه کسانی رساله‌های جهادیه نوشتند و محتوای این رسایل چیست؟ از سوی دیگر انتشار این رساله‌ها چه تأثیری بر جای گذاشت؟ بر این اساس، رساله‌های جهادیه مورد ارزیابی قرار گرفته و نشان داده می‌شود که پربسامدترین موضوعات مطرح شده در آن‌ها، اعلان جهاد علیه روس‌ها، بیان وظایف فرماندهان و احکام جهاد است. معرفی اشغالگران روسی به عنوان کفار حربی، اطاعت و فرمانبری از فرماندهان، اشاره به وظایف حاکمان و مشروعیت بخشی به فتحعلی شاه و عباس میرزا در جنگ با روس‌ها از جمله مواردی بود که مورد توجه علما قرار گرفته و در کتاب‌های جهادیه آمده است. انتشار این رساله‌ها باعث تجهیز قوای مردمی برای حضور در جنگ و از سوی دیگر موجب شکل‌گیری ادبیات جهادی و مقاومت شد.

واژگان کلیدی:

ایران، روس، جنگ‌های ایران و روس، قاجار، رساله‌های جهادیه.

درجه مقاله: علمی - ترویجی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد. maryam.orace@mail.um.ac.ir

مقدمه

فقه‌های امامی به تدوین فقه شیعی توجه خاصی داشتند و در آثار روایی و فقهی خویش، فصلی از کتاب‌های خود را به بحث جهاد و بررسی انواع جهاد و مسائل آن اختصاص داده‌اند؛ بنابراین ادبیات جهادی در فقه شیعی همواره مورد توجه قرار داشته و در زمان‌های مختلف و گاه به دلیل برخورد فقها با مسائل جدید، گسترش یافته است. با هجوم روس‌ها به سرزمین‌های شمالی ایران، شاه قاجار در برهه‌ای از تاریخ جنگ‌های دوره اول و دوم، خود را ناگزیر از توسل به علمای شیعه جهت حمایت‌های نظری و عملی در مقابل تهاجم روس‌ها دید و از علما در باب ترغیب و تشویق مردم، فتوای جهاد و مدافعه از سرزمین‌های اسلامی را خواست. علمای شیعه نیز با عنایت به بنیان‌های فقه امامی به درخواست فتحعلی شاه پاسخ مثبت دادند و به این ترتیب در این دوره ادبیات جهادی نسبت به هر زمان دیگری رشد پیدا کرد. سؤال اصلی مقاله این است که در دوره قاجار چه کسانی رساله‌های جهادیه نوشته‌اند و محتوای این رسایل چیست؟. از سوی دیگر انتشار این رساله‌ها چه تأثیراتی بر جای گذاشت؟. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی، جنگ‌های دوره اول و دوم ایران و روس را مورد بررسی قرار داده و سپس به نقش علمای معاصر این جنگ‌ها پرداخته است. از سوی دیگر به رساله‌های جهادیه و محتوای آن‌ها و تأثیر صدور این فتاوا اشاره کرده است.

پیشینه تحقیق

پیش از این، پژوهش‌هایی در باره فتاوای علما و روحانیون شیعه در جنگ‌های ایران و روس انجام شده است که از آن میان می‌توان به مقاله «میرزای قمی و حوادث سیاسی، اجتماعی و مذهبی عصر او» اشاره کرد. نویسندگان این مقاله به زندگی و زمانه میرزای قمی پرداخته و به صورت کوتاه به ارتباط وی با جنگ‌های ایران و روس اشاره کرده‌اند. در مقاله «کتابشناسی توصیفی رساله‌های جهادیه» اثر نصرالله صالحی به صورت گذرا به برخی از آثار جهادیه اشاره شده است. لمبتون در مقاله «ادب جهادی در ایران قرن سیزدهم»، بخش جهادیه کتاب کشف‌الغطاء را بررسی کرده است. در مقاله «میرزای قمی و حکومت قاجار» اثر سید رضا مهدی‌نژاد نیز به تعامل و ارتباط میرزای قمی با حکومت قاجار اشاره شده است. مقاله «تحلیلی بر نقش روحانیون شیعه در دوره دوم جنگ‌های ایران و روس» اثر جعفر آقازاده به نقش روحانیون در آغاز نبرد با روس‌ها، حضور عملی ایشان در صحنه‌های نبرد و کارکرد علما در تسلیم تبریز پرداخته است. در کتاب

«ادبیات در جنگ‌های ایران و روس» اثر هدایت‌الله بهبودی، به‌صورت گذرا به آثار جهادی اشاره شده است. مقاله «گزیده رساله جهادیه و معرفی کتاب *اجوبه المسائل*» اثر ابوالفضل حافظیان، به کتاب *اجوبه المسائل* از مولی غلامرضا آرانی کاشانی پرداخته است. عبدالرضا سیف در کتاب «ادبیات پایداری در جنگ‌های ایران و روس»، به‌صورت کوتاه به برخی از رساله‌های فتاوا اشاره کرده است. امیرحسین خالقی‌نژاد در کتاب «نقش سیاسی علمای شیعه در عصر قاجار» به برخی از عالمان برجسته و جریان‌های سیاسی معاصر آن‌ها در دوره قاجار اشاره کرده است. موسی قربانی سفیدان در کتاب «نقش و تأثیر فتواهای جهادی در دوره قاجار» به‌صورت گذرا به فتوای برخی از علما به‌خصوص معاصر جنگ‌های ایران و روس پرداخته است. مجید پورشافعی نیز در کتاب «نراق تا ترکمان‌چای» به شرح احوال ملا احمد نراقی پرداخته و به‌صورت کوتاه به حضور علما در جنگ‌های ایران و روس اشاره کرده است.

در پژوهش‌های مذکور، اگرچه به‌صورت مختصر و گذرا به نقش برخی از علما و رسایل جهادی در جنگ‌های ایران و روس اشاره شده؛ اما پژوهشی جامع در باره جهادیه‌ها صورت نگرفته و همه رسایل جهادی جنگ‌های دوره اول و دوم و حتی در فاصله زمانی میان دو جنگ بررسی نشده و محتوای این رسایل و نقش علمای شیعه در این جنگ مورد توجه قرار نگرفته است. پژوهش حاضر از یک سو به معرفی رساله‌ها و محتوا، کم‌وکیف آن‌ها و از سوی دیگر به اهمیت و تأثیر صدور فتاوا در جنگ‌های ایران و روس خواهد پرداخت.

جنگ‌های ایران و روس

الف) دوره اول جنگ‌های ایران و روس

سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه از زمان پتر کبیر شروع شد. سیاستمداران این کشور برای پیشرفت، تسلط بر هند را شرط لازم می‌شمردند و از این‌رو، ایران و خلیج فارس به‌مثابه دروازه هند مورد توجه ایشان قرار گرفت. توسعه‌طلبی دولت روسیه هم‌سنگ سیاست‌های استعماری دولت‌های اروپایی بود (واتسون، ۱۸۶۶: ۷۸). از سوی دیگر اهمیت تجاری و حاصلخیزبودن قفقاز و نیز دستیابی به دریای مازندران از دیگر انگیزه‌های روس‌ها برای تصرف این ناحیه بود (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۸۱). علت دیگر بروز جنگ، اردوکشی نظامی آقامحمد خان (۱۱۵۵-۱۱۵۵)

۱۲۱۱ق./۱۷۹۶-۱۷۴۲م.) در سال ۱۲۰۹ق./۱۷۹۴م. و ۱۲۱۰ق./۱۷۹۵م. به گرجستان برای پیشگیری از تبدیل آن منطقه به پایگاه روسیه علیه تمامیت ارضی ایران بود که کاترین دوم را برای تصرف قفقاز مصر کرد (همان: ۶۹). در سال ۱۲۱۳ق./۱۷۹۸م.، گئورگی، حاکم گرجستان از پاول اول، جانشین کاترین درخواست حمایت و اعزام نیرو کرد. در سال ۱۲۱۴ق./۱۷۹۹م. سربازان روسی به تفلیس وارد شدند و مورد استقبال قرار گرفتند. در سال ۱۲۱۵ق./۱۸۰۰م.، الکساندر تزار روسیه شد و سیسیانوف را با اختیارات تام به گرجستان فرستاد و او در سال ۱۲۱۸ق./۱۸۰۳م. شهر گنجه را تصرف کرد (همان: ۱۸۱-۱۸۰). به این ترتیب، دوره اول جنگ‌های ایران و روسیه آغاز شد. در سال ۱۲۱۹ق./۱۸۰۴م. سپاه ایران حملات خود را آغاز کرد؛ اما از سپاه سیسیانوف که محمد خان ایروانی او را به تصرف ایروان دعوت کرده بود، شکست خورد و به اردوی عباس میرزا که در اوچ کلیسا در سه فرسخی ایروان بود، عقب نشست. سپس اوچ کلیسا به محاصره روس‌ها درآمد؛ اما با مقاومت اهالی و رسیدن فتحعلی شاه با پنج هزار نیروی کمکی، نیروهای روس به سمت تفلیس عقب رانده شدند و ایروان مدت کوتاهی به دست ایرانیان افتاد (همان: ۱۹۲-۱۸۴). در سال ۱۲۲۰ق./۱۸۰۵م.، عباس میرزا با بیست هزار سپاه روانه جنگ شد. ایرانی‌ها در جبهه‌های ایروان، قره‌باغ، طالش و دریای مازندران قرارگاه‌های خود را تقویت و روس‌ها نیز به فرماندهی کتلیرفسکی صف‌آرایی کرده بودند. عباس میرزا تعرض را از جبهه قره‌باغ که حاکم آن از روس‌ها تقاضای حمایت کرده بود، آغاز کرد، قلعه پناه‌آباد و شوشی را از روس‌ها گرفت و به سمت گنجه رفت. فتحعلی شاه نیز در پی سپاه از ارس گذشت. روس‌ها مردم گنجه را قتل‌عام کردند. نیروی مرکزی به رهبری عباس میرزا شکست خورد و از گنجه عقب نشست (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/۲۲۴-۲۳۰). مرحله دوم جنگ‌های دوره اول از ۱۲۲۲ق./۱۸۰۷م.، پس از عقد قرارداد تیلسیت بین روسیه و فرانسه آغاز شد و تا ۱۲۲۷ق./۱۸۱۲م. ادامه یافت. روسیه با ناپلئون در دهکده تیلسیت قرارداد صلحی امضا کرد که حاکمیت روسیه را بر گرجستان، قره‌باغ و اران به رسمیت می‌شناخت (نفیسی، ۱۳۸۳: ۱/۱۵۹-۱۵۸). جنگ ایران و روس از سال ۱۲۲۷ق./۱۸۱۲م. و انعقاد عهدنامه بخارست وارد مرحله سوم شد و تا سال ۱۲۲۸ق./۱۸۱۳م. ادامه یافت.

نبرد اصلاندوز سرنوشت جنگ ایران و روس را رقم زد. عباس میرزا با سپاه و چند عراده توپ به اصلاندوز رفت. روس‌ها تمام قراولان اردوی عباس میرزا را دستگیر و سپاه ایران را محاصره

۵ □ بررسی تحلیلی رساله‌های جهادیه در جنگ‌های ایران و روس

کردند. تلاش عباس میرزا برای سامان‌دهی سپاه به جایی نرسید، روس‌ها اردوی ایران را به توپ بستند و سپاهیان ایرانی روی به گریز نهادند. جمعی از اسیران روسی به‌سوی جبههٔ روسیه گریختند و راهنمای آن‌ها در حمله به سپاه ایران شدند. ایرانیان شکست خوردند و روس‌ها تمام وسایل اردوی ایران را به غنیمت بردند. عباس میرزا به مشکین و سپس تبریز رفت و روس‌ها به قره‌باغ رفتند (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۴۰۰-۳۹۲؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۵۱/۱-۳۴۶). دورهٔ اول جنگ‌های ایران و روس سرانجام با انعقاد عهدنامهٔ گلستان در سال ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م. و واگذاری ایالات و شهرهای قراباغ، گنجه، شکی، قبه، دربند، باکو و بخشی از طالش به روس‌ها پایان یافت.

ب) دورهٔ دوم جنگ‌های ایران و روس

جنگ دوم ایران و روس به‌دلیل پاره‌ای علل سیاسی و اجتماعی به‌وجود آمد. ابهامات عهدنامهٔ گلستان یکی از علت‌های سیاسی آغاز دوبارهٔ جنگ بود. همچنین عباس میرزا، امیدوار بود با کمک بریتانیا همه یا حداقل بخشی از سرزمین‌های اشغالی را دوباره به دست آورد؛ بنابراین او نامه‌هایی مبنی بر استرداد مناطق اشغالی به دربار روسیه فرستاد. از سوی دیگر او نگران پادشاهی خود بود؛ زیرا روس‌ها ترجیح می‌دادند که محمدعلی میرزا جانشین فتحعلی شاه شود (یغما، ۱۳۲۸: ۵۳۲ - ۵۲۸). روس‌ها به‌عنوان دولت غالب بر مردم منطقه مسلط شدند. حاکمان محلی منطقهٔ قفقاز استقلال داشتند و با پرداخت مالیات تابع شاهان ایران بودند، در حوزهٔ حکومتی خود قدرت مطلقه داشتند و حکومت در خاندان آنان موروثی بود. هنگامی که سرزمین‌های‌شان اشغال شد، حقوق موروثی آنان از بین رفت و تابع افسران روسی شدند، عایدات املاک‌شان را از کف دادند و ترقی آن‌ها در دستگاه دولتی روسی بسیار کم شد (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۲۲-۲۰).

در مرحلهٔ اول از دورهٔ دوم جنگ، ایران تمام مناطقی را که طبق عهدنامهٔ گلستان به تصرف روس‌ها درآمده بود، از آنان پس گرفت (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۶۱۹-۶۱۸/۱؛ سپهر، اَبی تا: ۳۶۷/ ۱). در سال ۱۲۴۲ ق. / ۱۸۲۶ م.، اردوی ایران و روس در برابر هم صف‌آرایی کردند که به عقب‌نشینی و شکست ایران انجامید. عباس میرزا فرمان داد تا پسرانش که در جنگ شرکت داشتند، از محل درگیری کناره بگیرند؛ ولی بی‌احتیاطی آنان در این کار سبب شد تا سپاهیان به

تصور گریختن آنان، فرار و از گنجه تا ارس عقب‌نشینی کنند (همان: ۳۷۳/۱). عباس میرزا سپاه سه‌هزارنفری برای محافظت ایروان فرستاد. پس از آن سیف‌الملوک میرزا، حاکم قراچه‌داغ را به حفظ و حراست معبرهای ارس گماشت و خود به تبریز رفت. سیف‌الملوک میرزا در انجام دادن وظیفه خود کوتاهی کرد و به قراچه‌داغ بازگشت و سپاه روس از ارس گذشت. عباس میرزا برای مقابله با روس‌ها سپاه فرستاد و آن‌ها به قره‌باغ عقب‌نشینی کردند. از سوی دیگر، در دربار، شاه را به نایب‌السلطنه بدگمان ساختند و فتحعلی شاه به سرعت از تهران به خوی رفت. ولیعهد نیز به خدمت او رسید. در این هنگام پاسکویچ به پیشروی خود ادامه داد. روس‌ها در ۱۲۴۳ ق. / ۱۸۲۷ م. قلعه ایروان را تصرف کردند؛ بنابراین، دوره دوم جنگ‌های ایران و روس با انعقاد عهدنامه صلح ترکمانچای در سال ۱۲۴۳ ق. / ۱۸۲۷ م. پایان یافت.

نقش علما در جنگ‌های ایران و روس

تا آغاز دوره قاجار، اکثر مردم، تشیع را برگزیده و سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی مذهب شیعه در میان آن‌ها نهادینه شده بود. روحانیون دارای یک شبکه وسیع مردمی و مستقل شده بودند. در پی کوشش‌های علامه وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۵ ق. / ۱۷۹۱ م.) در حوزه کربلا و تربیت شاگردان فراوانی که پس از او راهش را ادامه دادند، مکتب اخباریگری از رونق افتاد و مجدداً مکتب اجتهادی و اصولی بر حوزه‌های شیعه مستولی شد (سمیعی، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

در دوره فتحعلی شاه، از یک سو وجود امنیت و آرامش و از سوی دیگر تمایل شاه مبنی بر جلب حمایت علما از حکومت، موجب نفوذ علمای طراز اول شیعه در جامعه ایرانی و به تبع آن نفوذ آن‌ها در ساخت قدرت سیاسی شد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۲: ۴۷). شاه قاجار به علما برای مشروعیت‌بخشیدن به سلطنت خود نیاز داشت، از این‌رو علمای برجسته مورد لطف و محبت قرار گرفته و برخی از آن‌ها به ایران مهاجرت کردند. بخش اعظم قدرت و نفوذ اجتماعی در اختیار روحانیان مستقل بود و روحانیان وابسته در حاشیه قرار داشتند.

فتحعلی شاه برای جلب حمایت علما از حکومت خود، تلاش وافری داشت؛ بنابراین در این دوره می‌توان شاهد نفوذ بسیاری از علما در زندگی سیاسی و اجتماعی بود. یکی از راه‌های معمول نفوذ علما، وساطت میان حکومت مرکزی و شهرها، خان‌ها و یا حکام شورشی بود، بدین ترتیب که برای شورشیان تقاضای عفو می‌کردند و بنا به معمول، شفاعت‌های آن‌ها پذیرفته می‌شد (الگار، ۱۳۶۹:

۷ □ بررسی تحلیلی رساله‌های جهادیه در جنگ‌های ایران و روس

۹۶؛ اما از سوی دیگر فتحعلی شاه به سبب ماهیت حکومت فردی خود، هرگز نفوذ و قدرت سیاسی علما را به حال خود وانگذاشت و موانع لازم را در مقابل آنان ایجاد کرد. علما نیز از جنبه نظری هیچ مایل نبودند که حکومت ظالمانه قاجار را تأیید کنند؛ اما با توجه به موقعیت زمان‌شان، مشروعیت نسبی به حکومت او می‌دادند (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۲: ۴۸). علما افزون بر اینکه در رابطه با شاه مورد توجه بوده و مؤثر واقع می‌شدند، در مواقع دیگر هم در برابر بازیگران قدرت، یعنی شاهزادگان و عوامل مؤثر بر ساخت قدرت مطرح بودند؛ بنابراین اوضاع دینی و ضرورت‌های مذهبی جامعه عصر قاجاری، پادشاهان قاجار را وامی‌داشت تا برای تلطیف حاکمیت خویش، فاصله نهاد دولت و جامعه دینی را از طریق پیوندی عاطفی و علقه‌ای مذهبی جبران کنند.

در جریان دوره اول جنگ‌های ایران و روس، دربار قاجار به مرور می‌دید که سربازان و مردم ایران در این نبرد به دیده تردید می‌نگریستند و حاضر به همیاری نظامی و مالی برای مدافعه در برابر روس‌ها نبودند. پس برای اینکه همکاری نزدیک مردم و نخبگان نظامی و ایلی را در این نبردها به دست آورد و جنگ با روسیه را از نبرد نظامی به جنگی اعتقادی و میهنی تبدیل نماید، در صدد گرفتن فتاوی جهادی از علمای اصولی برآمد تا از طریق آن‌ها به نبرد خود با روس‌ها مشروعیت دهد. روحانیون چون شاهد از دست رفتن سرزمین‌های اسلامی بودند، به درخواست فتحعلی شاه و عباس میرزا پاسخ مثبت دادند و رسایل و فتاوی برای مقابله با روس‌ها نوشتند. روحانیون در این رسایل، فتحعلی شاه را از جانب خود به عنوان فرمانده سپاه اسلام برای مقابله با روس‌ها معرفی کردند و به وی برای اخذ مال از مردم برای مقابله با آن‌ها اختیار دادند.

نایب‌السلطنه بیش از شاه به اخذ فتاوی جهادی از علما علاقه داشت. این علاقه جز تلاش برای مشروعیت بخشیدن به حکومت و جنگ با روس‌ها یعنی همان دلیلی که شاه و درباریان دیگر در آن با نایب‌السلطنه همراه بودند، منشأ شخصی هم داشت که عبارت بود از تحکیم پایگاه دینی نایب‌السلطنه در نبرد با روس‌ها (قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۸۰: مقدمه، ۸۱). به نوشته مفتون دنبلی در سال ۱۲۲۰ ق. / ۱۸۰۵ م.:

نایب‌السلطنه و قائم‌مقام بعد از عرضه داشت به دربار خاقان ... حاجی ملا باقر سلماسی ... مولانا صدرالدین محمد تبریزی را برای استفتا و حل مسائل و تحقیق مدعا از شیخ جعفر نجفی و میرزا ابوالقاسم جاپلقی و آقا سید علی مجتهد ... به عتبات عالیات ... روانه نمودند و نیز مکاتبات و مراسلات درین خصوص به تفتیش آیات و نصوص به علمای اصفهان، یزد و کاشان مانند مرحوم

حاجی محمدحسین امام جمعه اصفهان و ملاعلی اکبر ایچی و آخوند ملا احمد کاشی نگاشتند و در اندک مدت رسایل عدیده از اطراف و جوانب در رسید» (مفتون دنلی، ۱۳۸۳: ۲۲۲).
 به نوشته لسان‌الملک سپهر، در ۱۲۲۳ ق. / ۱۸۰۸ م. میرزا بزرگ به فرمان فتحعلی شاه، به اخذ فتوا و رسایل از علمای عتبات، قم، کاشان و اصفهان اقدام کرد (سپهر، [بی تا]: ۱/۱۸۱). برخی منابع به تاریخ ۱۲۲۴ ق. / ۱۸۰۹ م. اشاره کرده‌اند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/۲۹۶-۲۹۴). میرزا عیسی نیز به تدوین این فتواها پرداخت. نسخه مفصل "جهادیه کبیر" را برای امرا و سرتیپان و نسخه فشرده‌تری به نام "جهادیه صغیر" تدوین کرد، سپس احکام الجهاد و اسباب الرشاد را تهیه نمود که از نظر حجم بین آن دو بود. جهادیه میرزا عیسی قائم مقام که در هشت باب تدوین شد، در حقیقت تألیفی جدید بود؛ زیرا وی پس از آرای مجتهدان، مستندات فقهی - اعتقادی خویش را بیان کرده است. او فتواها را به یکدیگر نزدیک نمود و آن‌ها را دسته‌بندی موضوعی و سپس کوتاه و ساده کرد. آنچه وی ارائه داد، علاوه بر ارزش فقهی و تاریخی، ارزش ادبی نیز دارد (قائم مقام فراهانی، ۱۳۸۰: مقدمه، ۸۵-۸۴).

در دوره دوم جنگ‌های ایران و روس، جناح عباس میرزا برای منفعل کردن گروه مخالف نبرد در صدد برآمد که از طریق روحانیون به اقدامات خود صبغه دینی ببخشد. از سوی دیگر عباس میرزا با بازپس‌گیری این مناطق می‌توانست آینده سلطنت خود را تضمین کند. بدین منظور، آن‌ها عده ای از زائران عتبات را تحریک کردند تا از ظلم و جور روس‌ها به‌ویژه ژنرال یرملوف بر مسلمانان به سید محمد مجاهد شکایت کنند. اخباری که از وضع مردم مسلمان قفقاز به کربلا رسیده بود، علما و در صدر آنان سید محمد مجاهد را بر آن داشت تا با تشکیل مجمع علما، علیه روس‌ها اعلام جهاد و شاه را مکلف به جهاد کنند. علما در سال ۱۲۴۱ ق. / ۱۸۲۵ م. وارد سلطانیه شدند و «این جمله مجتهدین که انجمن بودند، فتوا راندند که هر کس از جهاد با روس‌ها بازنشیند، از اطاعت یزدان سر برتافته متابعت شیطان کرده باشد» (سپهر، [بی تا]: ۱/۳۶۴-۳۶۵). الگار معتقد است که در ۱۲۴۱ ق. / ۱۸۲۵ م. عباس میرزا به‌منظور یافتن راه‌حلی مناسب برای مسئله مرزی، میرزا محمدصادق وقایع‌نگار را به تفلیس فرستاد. سفیر از جنایات روس‌ها در حین تصرف گوکچه گزارش‌هایی فرستاد. این گزارش‌ها به گوش علما رسید و حتی شاید عباس میرزا گزارش‌های مزبور را برای آن‌ها فرستاده بوده است (الگار، ۱۳۶۹: ۱۴۷). به نظر وی، عباس میرزا به هیجان مذهبی

دامن می‌زده و می‌خواسته است آن را علیه بی‌میلی و به دفع وقت گذراندن سلطان به کار گیرد (همان، ۱۴۹).

علما در محرم ۱۲۴۲ق. / ۱۸۲۶م، در عزاداری امام حسین (ع)، سربازان را به جهاد ترغیب می‌کردند. لشکریان فوج فوج نزد عباس میرزا می‌رفتند و خواستار جنگ می‌شدند و نایب‌السلطنه آنان را به صبر و آرامش دعوت می‌کرد. خالقی نژاد معتقد است حضور علما می‌توانست باعث پیروزی ایران و شکست کامل روس‌ها شود؛ اما به دلیل بی‌کفایتی و اشتباه‌های عباس میرزا، رقابت شاهزادگان قاجار و فراهم‌نبودن تجهیزات نظامی از این موقعیت استفاده نشد و در نهایت، وجود اختلاف و شکاف میان عباس میرزا و علما باعث شکست ایرانی‌ها شد (خالقی نژاد، ۱۳۹۰: ۵۷).

جایگاه ادبی، فقهی و تاریخی رسایل جهادی

در جنگ‌های ایران و روس، رهبران مذهبی دعوت دولت را مبنی بر پشتیبانی از نیروهای مردمی و نظامی و انتشار رساله‌های جهاد بر ضد روس‌ها پاسخ دادند. از همین روی در خلال جنگ با روس‌ها، فرهنگ ایران از گونه‌ای ادبیات و آثار اسلامی برخوردار شد که می‌توان آن را ادب جهادی نام گذارد و بر بنیاد همین گونه ادبیات و آثار است که می‌توان از دیدگاه‌های علمای شیعه آن زمان در باره چگونگی جهاد آگاه شد (حائری، ۱۳۷۲: ۳۷۸).

علمای زمان قاجار علاوه بر صدور فتوای جهاد، به توسعه و تکامل فقه سیاسی در باب جهاد پرداختند. آنان در رسایل جهادی به جزئیات مسائل جهاد دفاعی، پوشیدن لباس نظامی، نحوه دفن شهدای جنگ بر طبق موازین فقه شیعه پرداختند و به مسائلی مانند جهاد در رکاب حکام جور، فرماندهی امور جنگی و دریافت مالیات از مناطق جنگی پاسخ دادند؛ بنابراین توجه به این مسائل بود که از سویی به آرای سیاسی فقهای شیعه در این دوره رشد بیشتری داد و از سوی دیگر ادبیات جهاد را در قلمرو مسائل جزئی که مبهم مانده بود، گسترش داد.

ادب جهادی و به‌ویژه آن بخش از رسایل جهادی که به «بیان اوصاف ذمیمه روس» اختصاص یافته است را می‌توان از آغازین نوشته‌های ضداستعماری تاریخ ایران به شمار آورد (همان: ۳۸۸). میرزا بزرگ در بخشی از احکام‌الجهاد و اسباب‌الرشاد، به مسئله بردگی دهقانان در روسیه اشاره

کرده است. او با توجه به ویژگی‌های جامعه آن روز روسیه، در باره بیدادگری‌های فئودالیت‌ها فرمانروای روس بر کشاورزانی که به بردگی کشیده شده بودند، چنین آورده است:

در همه ممالک وضع سلوک ایشان چنین باشد که رعیت را بر صفت مملوک به یکدیگر فروشند و بسیار است که رعیتی به سالی چند بار فروخته شود و به چند کس انتقال یابد و چندین جفا احتمال تحمل نماید و در هر مملکت که بدیشان اختصاص یافته همین قاعده انتشار گرفته، چه کسانی را که در دایره مجاورت و حلقه معاشرت ایشان باشند به اندک زمانی ارتباط و اختلاط چندان شود که فرقی در میان نماند (همان: ۳۸۶-۳۸۳).

رساله‌های جهادیه

طولانی‌شدن جنگ، قاجارها را با مشکلاتی از جمله مشروعیت جنگ مواجه ساخت؛ بنابراین برای رفع مشکل، عده‌ای مأمور شدند تا فتاوی علمای اسلام را جمع‌آوری کنند. علما نیز در واکنش به تجاوز آشکار روس‌ها، رسایل متعددی جهت ترغیب مردم به حضور در جنگ نگاشتند. به گفته عبدالرزاق دنبلی «در اندک مدت رسایل عدیده از اطراف و جوانب در رسید، ... در رساله شیخ جعفر و آقا سید علی که رأس و رئیس مجتهدین بودند، صراحتاً تعیین نیابت امام و وکالت فقهای ذوالعز و الاحترام درین مقام نگاشته و به دلایل واضح و براهین ساطعه تصریح نموده که امروز محاربات با جماعت روسیه جهاد است» (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۲۲/۱).

رساله‌های جهادی که توسط علما و مجتهدین نگاشته شدند، عبارت‌اند از:

رساله جهادیه. از مؤلف رساله آگاهی چندانی در دست نیست. از محتوای رساله چنین برمی آید که در آخرین سال‌های دوره اول جنگ‌های ایران و روس تألیف شده است. مؤلف احتمالاً از علمای آذربایجان بوده و در آنجا سکونت داشته است. نویسنده از مدح سلطان در رساله خودداری کرده و «آنچه از فحای کتاب و سنت و فتاوی علمای امت بقدر وسع و توان فهمیده در میزان تحقیق و اجتهاد سنجیده» و جهت ادای «تکلیف خود به احباب نزدیک و دور» اعلام کرده است (رساله جهادیه، ۱۳۷۴: ۲۰۴، ۱۸۹). کتاب شامل یک مقدمه، شش فصل و یک خاتمه است. مؤلف در این رساله به اهمیت جهاد، خطر روس‌ها برای مسلمانان، پایمال‌شدن آداب شرایع، ضررهای مالی و اقتصادی مسلمانان در شهرهای اشغالی، شیوع فساد و تبعید مسلمانان حتی زنان به سیبری

اشاره کرده است. همچنین نویسنده در گزارشی به وضعیت شهر غزان اشاره کرده است که توسط روس‌ها اشغال شده بود (همان، ۲۰۲-۲۰۱-۱۹۶-۱۸۸-۱۸۷).

ارشاد عباد بحکم جهاد. از مؤلف رساله اطلاعاتی در دست نیست. این رساله در ۱۲۳۲ق./۱۸۱۷م، یعنی در فاصله میان دو جنگ اول و دوم ایران و روس نوشته شده است (هدایت‌پناه دزفولی و عابدی، ۱۳۷۳: ۷۹). برخی معتقدند احتمالاً مؤلف رساله، میرزا یوسف بن عبدالفتاح بن میرزا عطاءالله طباطبایی تبریزی متوفی ۱۲۴۲ق./۱۸۲۶م. بود (همان، ۸۰). مؤلف هدف از تألیف رساله را اقتضای وضع آن زمان دانسته که مسئله اصلی آن جنگ با روسیه بوده است (ارشاد عباد بحکم جهاد، ۱۳۷۳: ۸۴). این رساله برای مردم و مخصوصاً فرماندهان جنگ نوشته شده است و چون مخاطب آن تنها طلاب نبوده‌اند، به بحث فقهی محض پرداخته است؛ بلکه به احکام فقهی و بیان ثواب مجاهدان و تحمل سختی‌ها و مشقت‌های جنگ به امید ثواب و فضل الهی و توکل بر خداوند پرداخته است (همان، ۸۹). از محتوای این رساله به‌خوبی برمی‌آید که در آن زمان نیروهای ایران در وضعیت کاملاً نگران‌کننده‌ای قرار داشتند و از ضعف و کمبود نیرو رنج می‌بردند و اکنون «قیام من به الکفایه علم حاصل نیست. بلکه به خلاف آن یقین حاصل است، بر همه مسلمین واجب است که ترک عیال و اطفال و اموال گویند و به حفظ بیضه اسلام و مسلمین بکوشند» (همان، ۹۱).

العباسیه الحداد فی جهاد اهل الشرك والاحاد. نوشته شیخ هاشم کعبی از علمای دوره فتحعلی شاه است. این رساله به زبان عربی، مشتمل بر مقدمه و چهار فصل و در ۱۲۳۰ق./۱۸۱۵م. تألیف شده است. آقابزرگ از کتابی به اسم جهادیه نام برده است (الذریعه، ۱۴۰۳: ۲۹۷/۵). نویسنده در این رساله به اقسام جهاد، جهادگران و مراتب آن پرداخته است.

تحفه المجاهدین. نوشته محمدحسن بن محمدابراهیم گیلانی است (متوفی ۱۲۴۷ق./۱۸۳۱م). مؤلف نزد صاحب‌منصبان مقبول و مورداعتنا بوده است. رساله در یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه تنظیم شده است. وی در این رساله به لزوم جهاد با کفار جهت تأمین امنیت برای عبادت و دینداری، اقسام جهاد، غنائم و آداب مجاهدان پرداخته است (صدرایی نیا، ۱۳۷۴: ۲۱۷).

تحفه العباسیه. نوشته میرزا ابوالقاسم گیلانی معروف به میرزای قمی است (۱۱۵۱-۱۲۳۱ق. ۱۸۱۶-۱۷۳۸م). او از جمله فقهای شیعی بود که بخشی از حیات اجتهادی خویش را در دوره آقامحمد خان و فتحعلی شاه گذراند. وی آثار فقهی متعددی از خود به جای گذاشته است که آرای سیاسی و تحلیل و تلقی وی از ماهیت حکومت قاجار در آن‌ها انعکاس یافته است. میرزای قمی در نامه‌ای موسوم به "ارشاد نامه"، فتحعلی شاه را به رعیت‌نوازی، حمایت از افراد مظلوم و رسیدگی به عرایض آنان، جانبداری از ستمدیدگان و دفع ظلم، ترس از روز قیامت و عتاب و خطاب خداوند دعوت کرده است (قاضی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۳۶۶-۳۶۷). میرزای قمی در پاسخ به درخواست عباس میرزا، رساله جهادیه ای هم‌نام عباس میرزا نگاشت و آن را *تحفه العباسیه* نامید. این رساله به صورت سؤال و جواب نوشته شده است. او علاوه بر این رساله، در *جامع الشتات* نیز فصلی را به امر جهاد اختصاص داده است. میرزای قمی در این کتاب، جهاد با روس‌ها را واجب شرعی و کشته‌شدگان در این جنگ را به منزله شهید دانسته است.

جهادیه. این رساله مؤلف واحدی ندارد. در آغاز به «این جانبان» اشاره شده که ظاهراً منظور چند تن از مترسلان و منشیان فتحعلی شاه است. در این رساله که به زبان فارسی نوشته شده، از رسایل شیخ جعفر کاشف الغطا و آقا سید علی طباطبایی و میرزای قمی نیز مطالبی ترجمه و نقل شده است (آقابزرگ، ۱۴۰۳: ۲۹۶/۵).

جهاد العباسی و مشکوه الجهاد فی ترجمه مصابیح الجهاد. نوشته سید محمد بن سید علی طباطبایی مشهور به مجاهد است (۱۲۴۲-۱۸۰۰ق. ۱۸۲۶-۱۷۶۶م). وی در زمره علمای زمان فتحعلی شاه در تجهیز سپاه اسلام بر ضد کفار روس بود. او در شکست سپاه ایران چنان دچار غصه و اندوه شد که بعد از مراجعت از جنگ در ۱۲۴۲ق. ۱۸۲۶م. رحلت کرد (تنکابنی، [بی‌تا]: ۳۱۸). *جهاد العباسی* به زبان عربی و به درخواست عباس میرزا در ۱۲۲۸ق. ۱۸۱۳م. نوشته شده است. سید محمد مجاهد به دفاع مسلمانان از کیان و سرزمین اسلامی تأکید کرده است و رویارویی و عقب‌راندن روس‌ها از سرزمین‌های اشغالی را جهاد دانسته و آن را واجب شمرده است. اثر دیگر وی، *مشکوه الجهاد فی ترجمه مصابیح الجهاد*، مفصل‌ترین رساله جهادیه است که در ۱۲۳۲ق. ۱۸۱۷م. به زبان فارسی در آداب جهاد و اصول و مبانی آن نوشته شده است (مشکوه الجهاد، شماره کتابشناسی ملی ۴۴۹ف).

جهادیه. نوشته میر محمدحسین بن عبدالباقی بن میر محمدحسین بن میر محمد صالح حسینی خاتون‌آبادی است (متوفی ۱۲۳۳ق./۱۸۱۸م.). مؤلف از علمای دوره فتحعلی شاه و از شاگردان آقا باقر بهبهانی بود (آقابزرگ، ۱۴۰۳: ۲۹۶/۵). این رساله از جمله رساله‌های جهادیه است که در بیان وجوب جهاد با کفار روس تدوین شده است.

جهادیه. نوشته میرزا یوسف بن عبدالفتاح بن میرزا عطاءالله طباطبایی است (۱۲۴۲-۱۱۶۷ق./۱۸۲۶-۱۷۵۴م.). وی فقیه و از اهالی تبریز بود (آقابزرگ، ۱۴۰۳: ۲۹۸/۵).

الجهادیه؛ ریایات الجهاد فی اعلام العباد. اثر شیخ ابوالحسن بن محمدکاظم جاجرمی، عالم، ادیب و مصنف معاصر فتحعلی شاه است. او کتاب را در سال ۱۲۳۸ق./۱۸۲۳م. در وجوب جهاد به زبان فارسی نوشته است. کتاب دارای یک مقدمه و چهارده فصل و یک خاتمه است. مؤلف در هر فصل به آیات قرآنی و احادیث استناد کرده است (همان، ۲۹۶/۵).

جهادیه. این کتاب نوشته شیخ هادی مجرم قزوینی است. وی این رساله را به نظم سروده است (مشار، ۱۳۵۰: ۱۶۲۴/۲).

حسام الاسلام. محمد بن عبدالله زنجانی، این رساله را قبل از گرویدن به بابت برای تشجیع شیعیان در جنگ با روس‌ها به نظم سرود و به فتحعلی شاه اهدا کرد (صالحی، ۱۳۸۱: ۳۴).

رساله جهادیه. از محتوای رساله چنین برمی‌آید که نگاشتن آن زمانی بوده که روس‌ها به شهرهای شمالی ایران دست یافته و این تجاوز، بر اهالی مخصوصاً اهل دین و مذهب گران آمده است. نویسنده که ظاهراً از بزرگان دین بوده، برای تشجیع مردم به جنگ بر ضد روس‌ها این رساله را تألیف کرده و در آن از آداب جهاد و وجوب آن سخن گفته است (صالحی، ۱۳۸۱: ۳۴).

رساله جهادیه. نوشته حاج ملا رضا بن محمدامین همدانی ملقب به کوثر علیشاه (متوفی ۱۲۴۷ق./۱۸۳۱م.) از علمای بزرگ و فقهای مشهور عصر فتحعلی شاه قاجار و در وادی ادب و عرفان زبانزد خاص و عام بوده است. از وی اشعار و تألیفات متعددی به جا مانده است. او رساله جهادیه را به زبان فارسی در سال ۱۲۳۸ق./۱۸۲۳م. به رشته تحریر درآورد. هدف مؤلف ترغیب و تشویق مسلمانان به جهاد در برابر متجاوزان روس بود. وی به شرح وظایف فرماندهان و رتبه‌های مختلف نیروهای اداری و رزمی پرداخته و نکات مهمی را در مورد نظارت و جلوگیری از تخلفات

دولتمردان تذکر داده و حکام را از تعدی و ظلم به رعایا بر حذر داشته است. این رساله بیشتر آهنگ اجتماعی و سیاسی دارد و کم‌تر به مسائل فقهی پرداخته است (حافظیان، ۱۳۷۶: ۲۱۰).

اجوبه‌المسائل بخش کتاب جهاد. نوشته مولی غلامرضا آران‌ی کاشانی (۱۲۶۵-۱۹۲۱ق/۱۸۴۹-۱۷۷۸م). از علمای بنام کاشان در قرن سیزدهم قمری که در علوم اسلامی تبحر داشته و آثار ارزنده‌ای از او باقی مانده است. وی تعلیمات مقدماتی را در موطن خود گذراند و سپس عازم عتبات شد و در محضر عالمان بزرگی همچون سید علی طباطبایی و سید محمد طباطبایی و ملا احمد نراقی علوم نقلی را فراگرفت. بعد از بازگشت به اصفهان کسب علوم را ادامه داد و به مدارج عالی نائل آمد. وی در دوران جنگ ایران و روس، در صورتی که موسم روانه‌شدن قافله حاج مدافعه با کفار واجب شود، به این معنا که رفتن حج باعث تعطیل مدافعه شود، در اینجا در حکم آن است که دو واجب مضیق بر مکلف جمع شود، محتاج باشد به مرجعی در تقیم احدهما و ظاهر این است که در اینجا در صورت تعیین وجوب دفاع بر مستطیع حج، دفاع را باید مقدم داشت بر حج و حکم زیارت هم از اینجا معلوم شد هرگاه بر او واجب شده باشد به نذر و شبیه آن، چه جای زیارت مستحب (حافظیان، ۱۳۸۰: ۲۳۸).

بخشی از کتاب اجوبه‌المسائل را به کتاب الجهاد اختصاص داد که در آن سؤال و جواب‌های زیادی در باره جنگ ایران و روس مطرح شده و آران‌ی بدان‌ها پاسخ داده است. معنای جهاد، اقسام و شرایط آن و موارد استعمال منافع اراضی خراجیه از جمله نکات برجسته کتاب الجهاد است (همان، ۱۳۸۰: ۲۲۹). از جمله سؤالاتی که آران‌ی کاشانی به آن‌ها پاسخ داده، حکم حج و زیارت عتبات عالیات در زمان جهاد است. وی معتقد است:

باب جهاد از کتاب ریاض‌المسائل. تألیف آقا سید علی طباطبایی مشهور به صاحب ریاض است. او به خواهش عباس میرزا، باب جهاد از کتاب ریاض‌المسائل را جدا نمود و در این اثر به وجوب جهاد و لزوم اطاعت از شاه ایران در این باب فتوا داده است.

رساله احکام‌الجزیه. تألیف میرزای قمی که ضمیمه کتاب *غنائم‌الایام* چاپ شده است.

قسمتی از کتاب غایه‌المراد فی بیان‌الاحکام‌الجهاد، تألیف آقا شیخ جعفر است که در زمان فتحعلی شاه و در ارتباط با جنگ‌های ایران و روس نوشته شده است.

کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء. تألیف شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م.)، از علما و مراجع مشهور دوره فتحعلی شاه که در نوشته‌های جهادی از او به‌عنوان شیخ‌المجتهدین یاد شده است. وی از فتحعلی شاه پشتیبانی می‌کرد و در عین حال حکومت او را به‌طور مستقل به رسمیت نمی‌شناخت. او کتابش کشف الغطاء را به فتحعلی شاه پیشکش کرد و در آن شاه قاجار را سخت ستود. کاشف الغطاء در جنگ‌های ایران و روس به فتحعلی شاه اجازه داد که رهبری جهاد «با اهل الکفر و الطغیان و الجحود» را در دست گیرد و اطاعت از فرمان شاه در امر جهاد را بر مسلمانان واجب و سرپیچی از او را سرپیچی از خدا دانست (خالقی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۵). از سوی دیگر او در فتوایی وجوب اطاعت از سلطان به حکم مقدمه را واجب دانسته است «وگرنه اطاعت سلطان بدون وجود آن اغراض واجب نیست؛ بنابراین وجوب اطاعت از سلطان فتحعلی شاه وجوبی بالعرض است و برای آن است که او در حال حاضر به دفاع از سرزمین‌های اسلامی و مسلمین در مقابل هجوم کفار روسیه می‌پردازد» (کاشف الغطاء، ۱۳۷۹: ۳۳۳/۴-۳۳۵).

سهام عباسیه. حاج میرزا آقاسی (۱۱۹۸-۱۲۶۵ ق. / ۱۸۴۹-۱۷۸۴ م.) این رساله را در دوره فتحعلی شاه و در ارتباط با جنگ ایران و روس نوشته است (صالحی، ۱۳۸۱: ۳۵).

رساله جهادیه. مؤلف و سال تألیف مشخص نیست؛ ولی به احتمال زیاد مربوط به جنگ‌های ایران و روس است (صالحی، ۱۳۸۱: ۳۴).

رساله جهادیه. اثر شیخ محمدحسن قزوینی است (متوفی ۱۲۴۰ ق. / ۱۸۲۴ م.). قائم مقام بخش‌هایی از این رساله را در *احکام‌الجهاد باسباب‌الرشاد* آورده است.

جهادیه. تألیف علی بن محمدعلی طباطبایی کربلایی (۱۲۳۱-۱۲۶۱ ق. / ۱۸۱۶-۱۷۴۸ م.) و به زبان عربی نوشته شده است.

جهادیه. تألیف محمدکریم بن ابراهیم کرمانی (۱۲۲۵-۱۲۸۸ ق. / ۱۸۷۱-۱۸۱۰ م.) است. این اثر به زبان فارسی نوشته شده است.

رساله‌ای در تظلم از روس. هیچ اطلاعی از مؤلف رساله در دست نیست (صالحی، ۱۳۸۱: ۳۵). نام دیگر این رساله *حکایات روسی در قفقاز* است. مؤلف با اشاره به تظلم روس‌ها در منطقه که

«... اگر قوم منحوس روس را استطاعت تسلط بهم رسد در اهل اسلام نه جاه و منصب گذارند نه دین و مذهب»، بر موضوع جهاد تأکید کرده است.

رساله جهادیه. ظاهراً این رساله در زمان فتحعلی شاه برای اعلان وجوب جهاد با روس نوشته شده است (صالحی، ۱۳۸۱: ۳۵).

محتوای رساله‌های جهادیه

در جنگ‌های ایران و روس چه مردم عادی و چه فرماندهان نظامی، با مسائل زیادی روبه‌رو شدند که حل و فصل تمام آن‌ها و یا درک و آگاهی از وظایف شرعی در باب آن مسائل امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین علمای معاصر این جنگ‌ها در فتواهای جهادی و در آثار خویش به پرسش‌ها و وظایف مردم در برابر این مسائل پرداخته‌اند. در رساله‌های جهادی در باره معنا و فضیلت جهاد، وجوب جهاد، اقسام و شرایط آن، وجوب حفظ بیضه اسلام، فضیلت شهادت، اقسام غنائم و احکام آن و کیفیت تقسیم غنائم و آداب مجاهدان بحث شده است. مهم‌ترین مسائلی که در آثار فقها و مجتهدان مطرح شده است، عبارت‌اند از:

الف) تأکید بر وجوب جهاد

جاجرمی در کتاب *رایات‌الجهاد فی اعلام‌العباد*، وجوب عینی جهاد را اثبات کرده است. او همچنین با اشاره به معنای جهاد و دفاع و اینکه دفاع بر چه کسانی و در چه شرایطی واجب است، به اقوال فقهای متأخر و متقدم اشاره کرده است و به این نتیجه رسیده است که فقهای عصر او قائل به جهاد دفاعی هستند (اسفندیار، ۱۳۸۰: ۲۸۱). شیخ جعفر در کتاب *کشف‌الغطاء* نیز به مسئله جهاد پرداخته و احکام آن را با موشکافی‌های فراوان مورد بازکاوی قرار داده و جنگ با «الفرقه الشنیعه الاروسیه» را زیر فرماندهی فتحعلی شاه وظیفه‌ای حتمی و شرعی دانسته است (حائری، ۱۳۷۲: ۳۷۸).

ب) معرفی اشغالگران روسی به عنوان کفار حربی

در ۱۲۲۲ ق/ ۱۸۰۷ م، شیخ جعفر نجفی (کاشف‌الغطاء) جهاد در اسلام را به پنج قسم تقسیم کرد و قسم نخست آن را جهاد برای پاسداری از کیان اسلام دانست در آن زمان که کفار، عزم

هجوم به کشورهای اسلامی و قصبات و بلاد آن را دارند. کاشف‌الغطاء در این فتوا، روس‌ها را همچون کفار حربی معرفی کرده که تلاش دارند «لوی کفر را اعتلا بخشیده و اسلام را از بام بلند شکوه و شوکتش فرود آورند و ساقط سازند» (کاشف‌الغطاء، ۱۳۷۹: ۲۸۸/۱-۲۸۷). همچنین مجتهدان در آثار خود، روس‌ها را کافر کور خطاب کرده‌اند که «آثار کفر در اصقاع اسلام جاری و دایر کرده‌اند و احکام زور در اطراف ثغور ساری و سایر نموده‌اند» (رساله جهادیه، ۱۸۸). قائم‌مقام فراهانی نیز فصلی را به «اوصاف ذمیمه روس» اختصاص داده است و در آن به ویژگی‌های روس‌ها اشاره کرده است (قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

پ) اعلان جهاد علیه روس‌ها

علما در این فتاوا نخست به اهمیت جهاد در اسلام پرداخته‌اند که «مطلق جهاد و غزا، بعد از عقاید اسلامی و ایمانیه، افضل از هر عمل است». سپس به شرایط تحقق جهاد در جامعه فتوا داده‌اند که عبارت اند از: «دفاع از ورود کفار به سرزمین مسلمانان و تصرف در آن، دفاع از عرض مسلمانان یا بلاد ایشان، بعد از دخول کفار در آن و اراده اخراج آن‌ها از آن و یا دفاع از گروهی مسلمان که التقا با گروهی از کفار کرده باشند و کفار را قوتی بر ایشان باشد یا دفاع از گروهی اهل حق که ستم کرده باشند بر ایشان گروهی اهل باطل و ممکن نباشد دفع آن ستم، مگر به تهیه جنود و جمع عساکر». شیخ جعفر نجفی در این باره نوشته است: «با تعین قابلیت، واجب است شایسته آن را به وجوب عینی که مقاتله کند با کفار روس و سایر کفره فجره و واجب است بر مردمان اعانت و مددکاری او در صورت احتیاج به ایشان» (رجبی، ۱۳۹۰: ۴۷/۱). حاج ملا رضا همدانی در رساله جهادیه خویش مجاهده و مقابله را بر همه مسلمانان واجب و لازم دانسته است و می‌گوید: «تکاهل در آن ... موجب شکست بیضه اسلام و انهدام بنیان دین و شریعت ... است» (همدانی، ۹۷-۹۶).

ت) اطاعت و فرمانبری از فرماندهان

کاشف‌الغطاء در حکمی برای حفظ اسلام و اهل آن از تسلط «کفره لئام»، پیروی از فردی که از جانب سلطان، جهت «دفع اهل کفر و عدوان» منصوب شده را واجب دانسته است و اگر کسی از این امر سرپیچی کند، «مخالفت خدا کرده و سزاوار غضب ایزد جبار است» (قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۸۰: ۳۱۲).

ث) اشاره به وظایف فرماندهان و حاکمان

به نوشته ملّا رضا همدانی، حکام و عمال با رعیت و زیردستان با عدالت رفتار کنند در غیر این صورت کار پادشاه و امیر لشکر از نظام می‌افتد و امر رعیتی مختل شده و امر جهاد خلیل یافته و از تهیه اسباب قتال بازمی‌مانند (همدانی، ۹۶). همدانی به وظایف حاکم که باید «امینان عادل را بر مباشرین عامل گمارد» و «در حین محاسبه جمعی را حاضر سازد که امین رعیت باشند نه هواخواه ظلمه و نفس اماره» (همان، ۹۹) نیز اشاره کرده است.

ج) کمک‌های مردمی برای پشتیبانی از جهاد

مجتهدان و علما در رساله‌های جهادیه خویش مردم را به کمک‌های مالی نیز تشویق و ترغیب کرده‌اند. میرزای قمی در کتاب جامع‌الشتات مدافعه در برابر روس‌ها را واجب دانسته است. از سوی دیگر وجوب «این مدافعه از باب واجب مطلق است و صرف مال که موقوف علیه قتال است از جمله مقدمات آن و مقدمه واجب، مطلق واجب است» (میرزای قمی، ۱۳۷۱: باب جهاد).

چ) بیان احکام جهاد و تعلیم آن

مؤلف رساله/ارشاد عباد بحکم جهاد، به طلاب سفارش کرده که به نیروهای نظامی پیوسته و احکام جهاد را به آنان تعلیم دهند و نیز مردم را ترغیب و تشویق به جهاد نمایند (ارشاد عباد بحکم جهاد، ۱۳۷۳: ۱۱۷-۸۴). سید علی طباطبایی نیز به احکام جهاد از قبیل کمک مالی، سربازگیری، مخارج جنگ، غنائم، هزینه از انفال یا خمس، زکات و یا مالیات و غسل اشاره کرده است. در برخی از رساله‌های جهادیه، به این احکام نیز اشاره شده است که «جایز است آموختن آداب حرب از کفار» و «جایز است استعمال آلات لهو و لعب اگر نظم سپاه موقوف باشد به آن» (همان، ۱۱۰).

ح) بیان جنایات‌های روس‌ها در شهرهای اشغالی

مؤلف نامعلوم رساله جهادیه، جنایات روس‌ها در شهرهای اشغالی را به‌وضوح و با ذکر شواهد مستند بیان کرده است. نویسنده از اهمال و پایمان‌شدن آداب شرایع و رواج افعال شایع، وقایعی را نقل کرده است. او از تعطیلی نماز جمعه و جماعت، تبدیل مدارس مسلمانان به کنیسه و تبدیل مساجد به میخانه، جسارت به قرآن و سوزاندن کتب اخبار و احادیث و بی‌احترامی به علمای دین

خبر داده است (رساله جهادیه، ۱۹۰). همچنین مؤلف به مواردی از قتل‌عام مسلمانان و تجاوزات ناموسی و سوزاندن جنازه مسلمانان به‌بهانه بیماری طاعون اشاره کرده است (همان، ۱۹۳-۱۹۲).

خ) بیان ضررهای مالی و اقتصادی مسلمانان در شهرهای اشغالی

مؤلف نامعلوم رساله جهادیه، در فصل سوم اثر خویش به مصادره زمین‌ها توسط دولت، اخذ مبالغی هنگفت از مسلمانان در معابر ورودی و خروجی شهرها، دزدیدن اموال مسلمانان و نبش قبر مسلمانان برای بردن کفن اشاره کرده است (همان، ۱۹۵-۱۹۳).

د) مشروعیت‌بخشی به فتحعلی شاه و عباس میرزا در جنگ با روس‌ها

یکی از ضرورت‌های جهاد و مقابله با روس‌ها تقویت همه‌جانبه حکومت قاجار به‌عنوان تنها حکومت شیعه و مدافع سرزمین‌های اسلامی در برابر روس‌ها بود. در واقع حمایت روحانیون این عصر از فتحعلی شاه نه به معنی تأیید و مشروعیت‌بخشیدن به همه اقدامات آن حکومت، بلکه از روی مصلحت و ضرورت تقویت دولت اسلامی در رویارویی با هجوم روس‌ها بود. سید علی طباطبایی به ضرورت وجود رهبری اشاره کرده است که «این امر خطیر منتظم نمی‌شود مگر به وجود رئیس... که تجهیز عساکر و تدبیر جنود و اتباع کند». سپس فتحعلی شاه را متمکن بر مدافعه دانسته است که اطاعت از فرمان او واجب است (رجبی، ۱۳۹۰: ۷۱/۱). از نگاه میرزای قمی در وضعیتی که سلطان عصر مشروعیت لازم را نداشته باشد؛ اما تنها قدرتی باشد که در برابر دشمنان اسلام پایداری و مقاومت می‌کند، واجب است همگان از او اطاعت کرده و در رکاب او به جهاد با دشمنان اسلام بروند تا هدف اصلی که دفع شر کفار از بلاد اسلامی و معتقدات اسلامی است، محقق گردد (همان، ۵۳/۱).

اهمیت صدور فتاوا توسط علمای شیعه

الف) تجهیز قوای مردمی برای حضور در جنگ

زمانی که دیدگاه فقهی علما به گوش مردم رسید، آن‌ها را برای دفاع و بازپس‌گیری مناطق اشغال‌شده در قالب جهاد تشویق کرد. در شهرهای آذربایجان این واکنش اجتماعی خیلی زود رخ نمود:

فضلا و علما آذربایجان در مساجد و منابر رفته، بنای وعظ نهادند و سلوک آن طایفه را با مسلمانان به آواز بلند بر فراز منابر گفتند... مستمعان را متأثر و قلوب غافلان را منزجر ساختند و سوی جماعت سرباز و نوکر موجب خوار، جمعی کثیر را غیرت اسلام دامن گیر گشته، داوطلب جهاد شدند و با اسلحه و اسباب حرب از سان گذشته منتظر محاربت و مجاهدت گشتند. تا هر وقت که امر و اشارت رود به مجاهده پردازند... و اکنون در همه بلاد آذربایجان با یراق و اسباب در همه جا قریب به صد هزار نفر مجاهد به هم رسیده است (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۲۴).

بنا به گزارش *مآثرالسلطانیه* «دو هزار نفر از اهل ایروان داوطلب شده به جهاد برخاسته بودند و خود را به سلاح جنگ آراسته، چند نفر از فضلا و ارباب عمایم و اهل زهد و تقوی کفن در گردن انداخته تیغ نصرت آختند...». (همان، ۴۰۴-۴۰۳).

ب) دادن بار ارزشی به جنگها

در دوره قاجار، مردم دفاع از کشور را وظیفه قاجارها می دانستند. در دوره اول جنگها بیشتر مردم آذربایجان که خطر روسها را بهتر احساس می کردند، به دفاع در برابر آنها پرداختند؛ بنابراین برای جلب حمایت معنوی، نظامی و مالی همه مردم ایران از دولت قاجار در این نبرد، فتوای علما برای شرعی جلوه دادن نبردها ضروری بود. این فتاوا باعث تغییر نگرش مردم به نبردها از درگیری میان قاجارها و روسها به جهاد و جنگ اسلام و کفر شد (آقازاده، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

پ) امکان گردآوری مالیات از مردم

دولت قاجار با صدور فتوای جهاد بهتر می توانست از مردم مالیات بگیرد؛ چون دولت نامشروع حق گردآوری مالیات نداشت (همان، ۱۵۳).

ت) تثبیت جایگاه نهاد اجتهاد و بهره گیری روحانیون اصولی از ظرفیت اجتهادی

علمای شیعی انگیزه زیادی برای همکاری در نبرد با روسها و اعلام جهاد داشتند. اگر امام غایب باشد «استیذان از او ممکن نباشد، واجب است بر مجتهدین قیام بر این کار جهاد، واجب است تقدیم افضل مجتهدین یا مأذون از جانب او... واجب است مردم را اطاعت ایشان و هر که مخالفت ایشان کند، مخالفت امام علیه السلام کرده» (فراهانی، ۱۳۸۰: ۱۶۰)؛ بنابراین تثبیت جایگاه

نهاد اجتهاد سبب شد که علما بنا بر مقتضیات زمانه، اگر چه حق حکومت را متعلق به نایب امام غایب(عج) می‌دانستند؛ اما به فتحعلی شاه از جانب خود اجازه اقدام به جهاد برای دفاع از کیان اسلامی را بدهند (آقازاده، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

ث) پیدایش ادب جهادی و مقاومت

در پی حضور روحانیان و علمای شیعی در جنگ‌های اول و دوم ایران و روس، نوعی ادبیات مقاومت و جهاد نیز شکل گرفت که در آن‌ها مردم و نیروهای نظامی را به مقاومت در برابر بیگانگان و دفاع از ایران تشویق می‌کرد.

ج) جلوگیری از قدرت‌گیری صوفیان و اخباریان

برخی معتقدند که اگر حکومت قاجار با هجوم روس‌ها مواجه نمی‌شد و ناگزیر نمی‌گردید تا جانب اهل شرع را نگه دارد، چه‌بسا صوفیان می‌توانستند موقعیت علمای شرع را در دستگاه قدرت و عرصه اجتماعی سخت گرفتار چالش کنند؛ به همین دلیل هم بود که برخی از علمای آن دوران با احساس خطر شدید از قدرت روبه‌رشد صوفیان و تهدید جدی جایگاه خویش، سیاست صوفی‌کشی را به راه انداختند (زرگری نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۲). از سوی دیگر برخی از علما و مجتهدان برای مبارزه با جریان اخباریگری به دولت قاجار نزدیک شدند.

نتیجه

گرچه نقش سیاسی مذهب و حضور علما را در همه ادوار تاریخی ایران با مراتبی از شدت و ضعف و با تفاوت‌هایی در نحوه عملکرد می‌توان سراغ گرفت، با این حال تأثیر حضور این دو در جنگ‌های ایران و روس اهمیت بیشتری دارد. پادشاهان قاجار به‌ویژه فتحعلی شاه احترام و امتیاز خاصی برای علما قائل بودند. آن‌ها ضمن نفوذ و احترامی که نزد دولت و دولتمردان داشتند، در نزد عموم مردم نیز از محبوبیت و مقبولیت خاصی برخوردار بودند. هم‌سویی علما با مردم در مخالفت با اعمال سوء و ظالمانه عمال دولتی هر چه بیشتر بر یگانگی و هم‌نوایی آنان می‌افزود. اعتراض‌ها و مخالفت‌هایی که مردم و علما به دولت و تجاوز بیگانگان داشتند، متأثر از روح دینی و مذهبی و کمتر ناشی از احساسات ملی آنان بود؛ بنابراین به‌جهت فقدان احساسات ملی و پایبندی مردم به

دین و آرمان‌های دینی این امکان پدید آمد که علما هم به‌عنوان پیشوایان مذهبی و هم به‌عنوان پیشوایان ملی نزد مردم به حساب آیند و در جهت حفظ مصالح و منافع مردم عمل کنند؛ بنابراین قاجارها برای غلبه بر معضلات مشروعیت نبرد با روس‌ها و نیز همکاری مردم برای تأمین نیازهای مالی جنگ از فقها و مجتهدین بزرگ و مطلع زمانه استمداد جسته و از آنان درخواست صدور فتاوا جهادی علیه روس‌ها کردند.

وجود این فضای تهدید، فقدان قوای نظامی سازمان‌یافته و نیاز جدی به حضور جهادگران داوطلب موجب شد که در ایران و حوزه‌های دینی عراق، جهادیه‌هایی نوشته شود که شرکت در جنگ برای دفاع و حتی ضرورت آن را برای مؤمنان تبیین می‌کرد. تأکید بر وجوب جهاد، اعلان جهاد علیه روس‌ها، معرفی اشغالگران روسی به‌عنوان کفار حربی، اطاعت و فرمانبری از فرماندهان، اشاره به وظایف حاکمان و مشروعیت‌بخشی به فتحعلی شاه و عباس میرزا در جنگ با روس‌ها از جمله مسائلی بود که مدنظر علما قرار گرفت و در کتاب‌های جهادیه آمد.

محتوای فتاوا بازتاب دغدغه‌های شرعی مردم در مورد جهاد و احکام مربوط به آن و تصویری از باورهای سیاسی جامعه دینی آن روز در باره ماهیت حکومت قاجار و اوضاع روس‌ها است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین اهمیت صدور فتاوا توسط علما و مجتهدان، تهاجم روس‌ها به بلاد اسلامی در جهت تضعیف اسلام و مسلمانان بود. اگر چه روحانیون، حکومت قاجار را مشروع نمی‌دانستند؛ اما تنها قدرتی بود که توان مقابله با روس‌ها را داشت. روحانیون با صدور فتاوی جهادی، عموم مسلمانان را به همکاری با حکومت قاجار برای جهاد با روس‌ها فراخواندند.

منابع و مأخذ

- آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، ۱۴۰۳، *الذریعه الی تصانیف‌الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.
- آقازاده، جعفر، «تحلیلی بر نقش روحانیون شیعه در دوره دوم جنگ‌های ایران و روس»، *شیعه‌شناسی*، سال دوازدهم، ش ۴۷، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۴۳-۱۶۸.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و علیرضا امینی ۱۳۸۲، *تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از دوران قاجاریه تا رضاشاه*، تهران: نشر قومس.
- اسفندیار، رجبعلی، «معرفی کتاب *رایات‌الجهاد فی اعلام‌العباد*»، *علوم سیاسی*، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۰، ص ۲۸۶-۲۷۹.

بررسی تحلیلی رساله‌های جهادیه در جنگ‌های ایران و روس □ ۲۳

- بهبودی، هدایت‌الله، ۱۳۷۱، ادبیات در جنگ‌های ایران و روس، تهران: حوزه هنری.
- پورشافعی، مجید، ۱۳۹۷، *از نراق تا ترکمان چای*، شرح احوال ملا احمد نراقی و حضور علما در جنگ‌های ایران و روس، مشهد: مجید پورشافعی.
- تنکابنی، میرزا محمد، [بی تا]، *قصص العلماء*، [بی جا]: [بی نا].
- جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴، *تاریخ نو: شامل حوادث دوره قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری*، به‌سعی: عباس اقبال، تهران: علم.
- حافظیان، ابوالفضل، «رساله جهادیه حاج ملا رضا همدانی (متوفی ۱۲۴۷ق)»، *حکومت اسلامی*، ش ۳، بهار ۱۳۷۶، ص ۲۰۹-۲۱۷.
- چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۸۰، ص ۲۳۹-۲۲۶.
- حائری، عبدالهادی، ۱۳۷۲، *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیر کبیر.
- حکایت روسیه، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازبایی ۸۲۳س، تاریخ کتابت: قرن ۱۳ ق.، شماره ثبت ۱۶۷۴۲.
- خالقی‌نژاد، امیرحسین، ۱۳۹۰، *نقش سیاسی علمای شیعه در عصر قاجار*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی، ۱۳۸۰، *تاریخ ذوالقرنین*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهقان نیری، لقمان و مرتضی دهقان نژاد و سید حسن قریشی، «میرزای قمی و حوادث سیاسی، اجتماعی و مذهبی عصر او»، *فصلنامه تاریخ*، سال دوم، شماره هفتم، زمستان ۱۳۸۶، ص ۸۹-۱۲۲.
- رجبی، محمدحسن، ۱۳۹۰، *مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار*، تهران: نشر نی.
- زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۹۵، *تاریخ ایران در دوره قاجاریه عصر آقامحمدخان*، سمت.
- سپهر، محمدتقی بن محمدعلی، [بی تا]، *ناسخ‌التواریخ: تاریخ قاجاریه*، به‌اهتمام: جمشید کیانفر، تهران: [بی جا]: [بی نا].
- سمیعی، محمد، ۱۳۹۶، *نبرد قدرت در ایران*، تهران: نشر نی.
- سیف، عبدالرضا، ۱۳۸۲، *ادبیات پایداری در جنگ‌های ایران و روس*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- صالحی، نصرالله، «کتابشناسی توصیفی رساله‌های جهادیه»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۶۰، مهر ۱۳۸۱، ص ۳۷-۳۰.
- قاضی طباطبایی، حسن، «ارشادنامه میرزای قمی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ش ۸۷، ۱۳۴۷، ص ۳۶۷-۳۶۶.
- قائم‌مقام فراهانی، میرزا عیسی، ۱۳۸۰، *احکام‌الجهاد و اسباب‌الرشاد*، به‌تصحیح: غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: انتشارات بقیه.
- قربانی سفیدان، موسی، ۱۳۹۵، *نقش و تأثیر فتوای جهادی در دوره قاجار*، تبریز: آیدین کتاب.

کاشف‌الغطاء، ۱۳۷۹، *کشف‌الغطاء عن مبهمات‌الشریعه‌الغراء*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
الگار، حامد، ۱۳۶۹، *دین و دولت در ایران، نقش عالمان در دوره قاجار*، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.

گیلانی، محمدحسن بن محمدابراهیم، ۱۳۷۴، *تحفه‌المجاهدین*، به کوشش: علی صدراپی‌نیا، مندرج در دفتر دوم میراث اسلامی ایران، به کوشش: رسول جعفریان، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

لمبتون، آن، "ادب جهادی در ایران قرن سیزدهم"، ترجمه: نصرالله صالحی، *فصلنامه تاریخ اسلام*، سال سوم، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۵۸-۱۴۳.

مشار، خان بابا، ۱۳۵۰، *فهرست کتابهای چاپی فارسی*، تهران: [بی‌نا].
مشکوه‌الجهاد فی ترجمه مصابیح‌الجهاد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره کتابشناسی ملی ۴۴۹ف.

مفتون دنبلی، عبدالرزاق، ۱۳۸۳، *مآثرالسلطانیه*، به تصحیح: غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: انتشارات روزنامه ایران.

مهدی‌نژاد، سید رضا، «میرزای قمی و حکومت قاجار»، *حکومت اسلامی*، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۲۸-۹۵.

میرزای قمی، ۱۳۷۱، *جامع‌الشتات فی اجوبه‌السوالات*، تهران: کیهان.
نامعلوم، ۱۳۷۴، *رساله جهادیه*، مندرج در دفتر دوم میراث اسلامی ایران، به کوشش: رسول جعفریان، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

نقیسی، سعید، ۱۳۸۳، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، تهران: اساطیر.
هدایت‌پناه دزفولی، محمدرضا و احمد عابدی، ۱۳۷۳، *ارشاد عباد بحکم جهاد*، مندرج در دفتر اول میراث اسلامی ایران، به کوشش: رسول جعفریان، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

همدانی، محمدرضا بن محمدامین، *رساله جهادیه*، نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازبایی ۷۵۷۱/۱۲.

یغما، "اعلان جنگ روسیه به ایران، ۱۲۴۲ هجری"، ش ۲۱، بهمن ۱۳۲۸، ص ۵۳۲-۵۲۸.

Watson, Robert Grant, 1866, *A history of Persia: from the beginning of the nineteenth century to the year 1858*, London.